



مکتب پزشکی شیراز از صفویه تا قاجاریه

سید علی رضا گلشنی^{الف و ب}، حمید حاجیان‌پور^ب

الف دفتر مطالعات تاریخ پزشکی ایران، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

ب گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز

چکیده

وجود و کیفیت سیستم‌های دانش پزشکی در میان تمدن‌های گوناگون نشان از میزان اهمیت و توانمندی پزشکی آن اقوام داشته است. یکی از این سیستم‌ها، مکتب پزشکی شیراز بوده که کمتر مورد توجه مورخان و اندیشمندان متاخر قرار گرفته است. مکتب علمی شیراز که لقب دارالعلمی را به یدک می‌کشد، با دارا بودن مدارس علمی، بیمارستانها و مراکز درمانی و کتابخانه‌های مجهر شهرتی جهانی یافته بود. علماء و دانشمندان بزرگی در این مکتب پا به عرصه نهادند که شیوه‌های نوینی در پزشکی ابداع نمودند، و رونق و پیشرفت پزشکی، را سبب شدند. در شماره قبل همین نشریه به بررسی مکتب بزرگ پزشکی، که از دوره آل بویه تا آغاز صفوی پرداختیم، در این پژوهش به بررسی ادامه مکتب پزشکی شیراز از دوره صفوی تا پایان قاجار را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

تاریخ دریافت: دی ۹۱

تاریخ پذیرش: اسفند ۹۱

واژگان کلیدی: مکتب پزشکی، طب، دارالعلم، شیراز، مدارس، بیمارستانها، صفویه، قاجاریه.

مقدمه:

آمد و رشد نمود، با دولت اتابکان این رشد به تکامل رسید، زیرا این دولت با سیاستی که نسبت به خوارزمشاهیان و مغولان داشتند، شیراز را مأمن علماء، دانشمندان و طبیبان کرده بود. در دوره آل اینجو و آل مظفر تا اندازه ای این ویژگی حفظ شد. اما با قدرت نمایی تیموریان اندکی دچار خلل گردید. در این پژوهش به ادامه بررسی مکتب پزشکی شیراز پس از آن که به قدرت‌گیری صفویان به اوج تکامل و پیشرفت رسید و در دورانهای کوتاه افشاریه و زندیه به روند خود ادامه داد، تا اینکه در دوران قاجار دچار پیری و انحلال گردید، را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.

گذشته پر افتخار شیراز بدون شک مرهون حلقه‌های درسی، پژوهشی و مطالعاتی متعددی است که در قالب مکاتب علمی، شکل گرفته و به تربیت شاگردان قابل و پرآوازه دست زده‌اند. شاگردانی که موفق شده‌اند در علوم کاربردی و مهندسی، معماری زیبا و بدیع؛ در علوم پایه، هیئت جهانی؛ در ادب و هنر، استادان بی بدیل شعر؛ در فلسفه و حکمت، مکتب فلسفی شیراز، در عرفان و اخلاق و در فقه و علوم دینی و نیز در طب نیز با دانشمندان و اطباء و بسیاری دیگر از اعاظم را پیروارند.

این پژوهش اولین تحقیقی است که به بررسی اجمالی مکتب پزشکی و طبی شیراز می‌پردازد. در شماره قبلی این نشریه به بررسی شرایط ظهور و رونق این مکتب بزرگ پزشکی، که با روی کار آمدن سلسه دیلمی این مکتب پدید

غیاث الدین منصور^۹ فرزند امیر صدرالدین محمد دشتکی^{۱۰} به سال ۸۶۶ در شیراز متولد شد، وی حکمت، ریاضی و سایر علوم را نزد پدرش و دیگر علماء فرا گرفت، قدر و منزلتش در مورد علوم در میان علماء دیگر بسیار زبانزد بود. غیاث الدین تا سن چهل و دو سالگی به کار تدریس در مدرسه منصوريه ادامه داد، از تأیفات وی در طب می‌توان به دو کتاب معالم الشفاء و مختصر معالم الشفاء اشاره کرد. این دانشمند بلند آوازه پس از عمری پربرکت در سال ۹۴۸ دارفانی را وداع گفت و در مدرسه منصوريه به خاک سپرده شد (۲،۴).

تقى الدین طبیب شیرازی^{۱۱} از اطباء و دانشمندان قرن دهم هجری است، وی شاگرد غیاث الدین منصور بوده است، از وی کتاب انیس الاطباء فی الطب باقی مانده که حاصل تجربیات وی در این شغل می‌باشد (۵).

شرف الدین حسن طبیب شیرازی^{۱۲}، در سال ۹۵۰ هجری در شیراز بدنیآمد و از معاصرین و معتمدین امیر غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی است. وی در شیراز به طبیعت مشغول بوده است. شرف الدین در داروسازی و ساختن معجونهای طبی استاد بوده و معجون مشهور اشرفی از ساخته‌های وی می‌باشد. تأیفات وی عبارتند از: ۱- ینبوع ۲- طریق معالجات نزله و زکام ۳- زبده المسالک. از تاریخ فوت این حکیم بزرگ اطلاعی در دست نیست (۶).

جلال بن امین الطیب مرشدی کازرونی^{۱۳} از اطباء قرن یازدهم هجری است. تنها اطلاعی که از وی موجود است کتابی بنام «قربابدین جلالی» یا «اضافه اختیارات» می‌باشد. نویسنده این کتاب سعی داشته که نوشته خود را شبیه کتاب اختیارات بدیعی کند و آنرا در کیفیت ترکیب ادویه، در سی و سه باب تنظیم نموده است (۵).

حکیم سلمان موسوی جهرمی^{۱۴} از اطباء و دانشمندان معاصر با شاه عباس اول است. وی ابتدا در جهرم به کار طبیعت مشغول بوده است، اما به علت شهرت علمی و طبی اش

اوج کمال مکتب پزشکی شیراز:

شاه اسماعیل صفوی^۱ با حمله به شیراز بسیاری از علمائی شیرازی را به بهانه سنی بودن و لعن نکردن خلفاً قتل و عام کرد. اتهام واهی شاه اسماعیل سبب مهاجرت و قتل بسیاری از علماء، حکماء و دانشمندان گردید و به مدت ۱۰۰ سال چراغ دارالعلم شیراز به خاموشی گراید. اما شاید تنها پزشکان و اطباء بودند که به خاطر علمشان که طبیعت بود از این معركه جان به سلامت برند و مکتب پزشکی شیراز در این صد سال خللی جدی پیدا نکرد (۲،۱).

بقدرت گیری شاه عباس اول^۲ و با سیاست شایسته‌سالاری و با انتخاب حکام گرجی، الله وردیخان^۳ و امامقلی خان^۴ به شیراز، بار دیگر مکتب علمی شیراز که به دارالعلم شهرت داشت احیاء گردید. این دو پدر و پسر که به ترتیب حاکم شیراز و فارس شدند نسبت به علماء به دیده احترام می‌نگریستند. که در واقع این دوره، دوره کمال مکتب پزشکی شیراز است، که شاهد حضور بسیاری از پزشکان و نوشه شدن کتابهای بسیاری در این زمینه هستیم. طبیعت و علم طب آنقدر در این دوره رشد کرد، که به قول استاد محمد محیط طباطبائی^۵ در مقاله دارالعلم شیراز، «غالب اطباء و حکماء معروف پایتحت صفوی و گورکانی هند از اصل شیرازی بودند و سر رشته طبیعت در دربار ایران و هند کاملاً بدست شیرازیها افتاد، و گویی شیراز در آن زمان تبدیل به یک مرکز طبی بزرگی شده بوده انتساب هر پزشکی به آن شهر در هندوستان سند فضیلت و حذاقت او شناخته می‌شوند... پزشکان شیرازی بعد از سید اسماعیل جرجانی^۶، از زمان منصور بن الیاس^۷ طبیب آل مظفر تا عهد کریمخان زند^۸ کوشید که زبان پارسی را بجای عربی، زبان علم طب قرار دهند و در این کار توفیق حاصل کردند...» (۳). در اینجا به ذکر تعدادی از این اطباء و پزشکان دو دربار صفوی در ایران و گورکانی در هندوستان می‌پردازیم:

1 - Shah Ismail Safavi

2 - Shah Abbas I

3 - Allahverdi Khan

4 - Imam-Quli Khan

5 - Mohammad Mohit Tabatabai

6 - Seyyed Ismail Gorgani.

7 - Manur Ibn Ilyas.

8 - Karim Khan Zand.

الصوره و الصحه (رساله در تدبیر حفظ صحت) - شرح بر رساله طب امیر غیاث الدین منصور دشتکی. از تاریخ فوت وی اطلاعی در دست نیست (۶).

حکیم محمد حسن شیرازی^{۲۵} (عارف)، از اطباء و دانشمندان نیمه دوم قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری است. تحصیلات متداول را در شیراز به پایان رسانید و با وجود آنکه علم طب و حکمت طبیعی را آموخته بود، اما در طب شهرتی به هم نرسانید و در جرگه سخنوران و شاعران بود. وی سالهای عمرش را در هند گذرانید در عهد جهانگیر^{۲۶} مدت دو سال در زندان بود (۵).

حکیم محمد تقی شیرازی^{۲۷}، از اطباء و شعرای قرن دوازدهم دوازدهم هجری است. وی تمام عمرش را در شیراز سپری کرده است. در طبابت حاذق بوده و در شعر نیز صاحب سبک بوده است (۵).

حکیم محمد امین شیرازی^{۲۸}، یکی از حاذق‌ترین اطباء و دانشمندان دربار اورنگ زیب و عالمگیر^{۲۹} بوده است. وی موفق به درمان بیماری تب و سوء‌هاضمه اورنگ زیب می‌شود (۹).

حکیم محمود بن الیاس طبیب شیرازی^{۳۰}، از اطباء و دانشمندان عصر صفوی است. شاگرد میرداماد^{۳۱} دانشمند بزرگ می‌باشد و کتابی بنام کتاب العشق از وی باقی مانده است (۵).

حکیم مسیح‌الملک شیرازی^{۳۲}، از اطباء قرن یازدهم هجری است. در شیراز به فraigیری علم طب در نزد حکیم نجم‌الدین عبدالله ابن شرف‌الدین حسن شیرازی^{۳۳} بوده است. به همراه شاهزاده سلطان مراد^{۳۴} به جانب گجرات و دکن رفت و در دربار اکبرشاه به عزت و تقرب رسید و در مالوه درگذشت (۱۱). حکیم مومنا شیرازی^{۳۵}، از اطباء عهد جهانگیر و شاه جهان گورکانی است. تنها اطلاع از وی درمان نفس تنگی، جهانگیر

به اصفهان احضار می‌شود و در اثر درایت و تیزهوشی به مقام حکیم‌باشی ممالک ایران نیز مفتخر می‌گردد. وی همچنین پزشک مخصوص اللہ‌وردی‌خان نیز بوده است. فرزندانش نسل اندر نسل شغل طبابت را ادامه دادند و تا اوایل دوران قاجار در اصفهان و شیراز به حذاقت معروف بوده‌اند (۷).

حکیم صدرالدین^{۱۰} (مسیح‌الزمان) فرزند حکیم فخرالدین محمد شیرازی^{۱۱} است، وی در شیراز بدینی آمد. پس از کسب معلومات متداول در این شهر به هند رفت و در دربار اکبرشاه گورکانی^{۱۲} تقرب یافت. وفاتش در سال ۱۰۶۱ می‌باشد (۶).

حکیم امیر سید فتح الله شیرازی^{۱۳} از سادات شیراز و از معاصرین شاه طهماسب اول صفوی^{۱۹} است، وی علاوه بر طب، در حکمت نظری و عملی، علوم نقلی، ریاضیات و طبیعی صاحب نظر بوده است. وی نیز در دربار مغولان هند صاحب تقرب بسیار بوده و به مقام صدراعظمی و شخص دوم مملکت بعد از اکبرشاه رسیده است و را یکی از مرrogan تشبیع در هند می‌دانند. تا آنجا که پس از فوت در سال ۹۹۷ هجری جسدش را در آرامگاه اختصاصی اکبرشاه مدفون کرده‌اند. از اثر طی وی می‌توان ترجمه کلیات قانون بوعلی‌سینا به فارسی اشاره کرد (۸).

حکیم صالح شیرازی^{۲۰} پسر حکیم فتح الله شیرازی، در دربار اکبرشاه، اورنگ زیب^{۲۱} و شاهجهان^{۲۲} طبیب، ندیم دربار دربار و داروغه ناحیه کرگیراقخانه بوده است. وفاتش را سال ۱۰۸۳ می‌دانند (۹).

حکیم کمال‌الدین حسین شیرازی^{۲۳}، از حکیم‌باشی‌های شاه طهماسب اول صفوی است، اما به علت بی‌توجهی شاه به وی، از دربار دوری جست و به ملازمت خان احمد گیلانی^{۲۴} درآمد. از وی کتابی در ادویه مرکبه یاد کرده‌اند (۱۰). تأیفات دیگر وی رساله در کیفیت ساختن تریاق فاروق - رساله حفظ

25 - Hakim Muhammad Hasan Shirazi.

26 - Jahangir.

27 - Hakim Muhammad Taqi Shirazi.

28 - Hakim Mohammad Amin Shirazi.

29 - Alamgir.

30 - Hakim Mahmoud ibn Ilyas Tabib Shirazi.

31 - Mir Damad.

32 - Hakim Msyhalmk Shirazi.

33 - Hakim Najm Abdullah Ibn Sharaf al-Din Hasan Shirazi.

34 - Sultan Murad.

35 - Hakim Momna Shirazi.

15 - Hakim Sadr al-Din.

16 - Hakim Fakhr al-Din Muhammad Shirazi.

17 - Akbar Shah Gurkani.

18 - Hakim Amir Seyyed Fath Allah Shirazi.

19 - Shah Tahmasb I Safavi.

20 - Hakim Saleh Shirazi.

21 - Aurangzeb.

22 - Shah Jahan.

23 - Hakim Kamal Uddin Hossein Shirazi.

24 - Khan Ahmad Gilani.

ضروریه - رساله آطریلال - رساله جدوار - رساله در دفع آتشک، این رساله اولین کتاب به زبان فارسی درباره سیفلیس و تأثیر درمانش با جیوه می‌باشد - رساله دستور الاطباء به زبان عربی - رساله حجله العرایس در کیفیت اعمالی که در روز نوروز بر حسب سنت و طب باید انجام داد. از تاریخ فوت این

حکیم گرانقدر اطلاعی در دست نیست (۱۳).

محمدباقر^{۴۱} فرزند عمادالدین محمود شیرازی، از اطبای مورد اعتماد شاه عباس اول است. کتابی از وی باقی مانده که از نامش بی خبریم اما شامل دو مقاله است: مقاله اول در پنج فصل راجع به بیماریهای چشم و داروهای مفید به آن. مقاله دوم نیز پنج فصل در ذکر مراهم و ادویه قروح و آنچه بدن تعلق دارد (۵،۹).

نورالدین محمد عبدالله بن علی طبیب شیرازی^{۴۲} ملقب به عینالملک از اطباء قرن دهم هجری و معاصر با شاه جهان و اکبرشاه گورکانی است. وی در ۳ حرفة کحالی (چشمپزشکی)، جراحی چشم و جراحی عمومی و طب ماهر و حاذق بوده است. عینالملک در دربار اکبرشاه بسیار محترم بوده است. در سال ۹۷۱ هنگامیکه اکبرشاه در شکارگاه مورد اصابت گلوله قرار گرفت. عینالملک با عمل جراحی گلوله را از بدن وی خارج نمود و با تجویزهای بجا شاه را به مدت یکهفته درمان نمود. این پزشک حکیم پس از عمری درخشان در ذیحجه سال ۱۰۰۳ درگذشت (۹،۱۴).

فتح الله بن ابوالقاسم بن فتح الله طبیب شیرازی^{۴۳} از افضل اطباء قرن یازدهم هجری است. وی مقرب دربار امامقلیخان حاکم فارس بوده است. پس از قتل عام خاندان امامقلیخان توسط شاه صفی^{۴۴}، وی به هند کوچ نمود. در زمان شاهجهان گورکانی از طبیبان دربار گشت. در سال ۱۰۵۵ هجری به وی منصب نهصدی اعطای گردید. از تاریخ فوت وی اطلاعی در دست نیست (۹).

است. زیرا بسیاری از پزشکان دربار از درمان وی مأیوس شده بودند. پس بنابراین حکیم مومنا به حداقت مشهور بوده است و او را صاحب دست شفابخش می‌خوانند. پس از جهانگیر نیز در دربار شاه جهان تقرب بسیار می‌یابد. پس از سال ۱۰۵۶ از این حکیم بزرگ اطلاعی در دست نیست (۹).

میرزا محمد حسین شیرازی^{۳۶} مشهور به عالی شیرازی، فرزند حکیم فتحالدین شیرازی در هند به دنیا آمد و همراه پدر در خردسالی به شیراز بازگشت و در این شهر به فراغیری علم پرداخت. جهت تکمیل تحصیلات به هند آمد و در نزد ملا شفیعی یزدی^{۳۷} معروف به دانشمند خان طب قدیم را تا سرحد کمال فرا گرفت. وی به ترتیب در دربار عالمگیر، اورنگ زیب، محمد اعظم شاه^{۳۸} و شاه عالم^{۳۹} مراتب پژوهشی را تا مقام دانشمند خان طی می‌کند. وی به خاطر احاطه علمی و ادبی صاحب دیوان اشعاری بنام سخن عالی است که در این دیوان بسیاری از اصلاحات علمی و طبی را آورده است. وی در سال ۱۱۲۱ در دهلی دارفانی را وداع گفت (۱۲).

عمادالدین محمود بن مسعود شیرازی،^{۴۰} از اطباء و مولفین علم طب است. وی از معاصرین و درباریان شاه طهماسب صفوی است. از تألیفات وی می‌توان به کتاب ینبوع (چشممه) اشاره کرد، این کتاب ابتدا به اختصار از طب بحث نموده، سپس تا آخر کتاب بذکر ادویه مفرده و در پایان به بیان قرابادین می‌پردازد. رساله‌ای در بیان خواص و منفعت چوب چینی (جین سینگ) دارد. این رساله را می‌توان از اولین کتاب‌هایی دانست که در جهت ترک اعتیاد به تریاک به فارسی نوشته شده و درمان این بیماری اجتماعی است و این را می‌رساند که ایرانیها قرنها پیش جین سینگ را بنام بیخ چینی می‌شناختند. رساله دیگر این حکیم بزرگ در مورد این بیماری، رساله افیونیه است. در این رساله مصنف از منافع و ضررهای استفاده از تریاک سخن گفته و موارد مجاز استفاده از تریاک را آورده است. کتاب تشریح - رساله مفرح یاقوتی - رساله ستنه

41 - Mohammad Bagher.

42 - Nor al-Din Mohammad Abdullah Ibn Ali Tabib Shirazi.

43 - Fath Allah Abul-Qasim Ibn Fath Allah Tabib Shirazi.

44 - Shah Safi.

36 - Mirza Mohammad Hossein Shirazi.

37 - Mullah Shfyay Yazdi.

38 - Muhammad Azam Shah.

39 - Shah Alam.

40 - Emad Mahmoud ibn Mas'ud Shirazi.

بوعلى سينا و حاوي رازى نيز افروده است. ۲- قرابادين قادرى در ۲۳ باب که آن را بسال ۱۱۲۶ هجرى نوشت و چون از پيروان سلسه قادریه بود، كتاب را بدین نام موسوم و آن را در بيست و سه باب تأليف نمود و در هريک از آنها كيفيت ترکيب هر دارو را در ذيل نام مرضی که با آن دارو بهبود يابد شرح داد. ۳- مفرح القلوب و تعاريف الامراض، ترجمه كتاب قانونچه چغمىنى به فارسى در پنج مقاله است. ۴- كتاب ميزان- الطب که مختصرىست در پزشكى پيارسى و محمد اكبر آن را برای بهرهمندی شاگردانش تأليف نموده و به سه مقاله در کليات و داروهای مفرد و مرگب و بيماريها و درمان آنها منقسم ساخته است. ۵) كتاب مجريات اكبری در باب داروهای مرکب که در چندين باب تأليف و در هريک از آن باها بيماريها و داروهای مربوط باها شناسانده شده است (۱۲،۹).

پيرى و زوال مكتب پزشكى شيراز

افشاريه و زنديه:

اين دوره با سقوط سلسه صفوی توسيط افغانان غلچايی آغاز گشت. افاغنه پس از تصرف اصفهان به شيراز حمله نمودند و به مدت ۹ ماه شيراز را در محاصره گرفتند. آنان ابتدا با مردم شيراز با مدارا رفتار کردند، اما با قدرت نمایي نادرشاه افشار ۵۲ و چون خبر شکست افاغنه توسيط نادر به شيراز رسيد، اين اتفاق سبب شد، که مردم شيراز هر افغانی که ديدند به قتل برسانند. اين موضوع سبب فرار افاغنه به دارالحکومه شد. ولی با يورش تفنگچيهای لاري، خنجي، کازرونی و پشوری که از اهل سنت بودند و کشتار مردم شيراز، افاغنه را نجات دادند.

نادر با شکست دادن اشرف افغان^۵ در جنگ مورچه خورت بر اصفهان دست یافت. اما اشرف افغان پس از اين شکست راهی شيراز شد. اشرف که میدانست، دير يا زود نادر به شيراز خواهد آمد، با ۲۰ هزار نفر آماده مقابله با نادر شد. اما در اين جنگ نيز شکست خورد و به لار فرار کرد و پس از

نورالدين محمد عبدالله حكيم عينالملک شيرازی^{۴۵}، وي فرزند عين الملك طبيب حاذق دربار اکبرشاه است. وي از اطبای دربار شاهجهان و مورد توجه شاهزاده داراشکوه بوده است. اين طبيب گرانقدر صاحب تأليفات سترگي بوده است که شامل ۱- مفردات ادویه ۲- قسطاس الاطباء ۳- طب داراشکوهی که دائرة المعارف در طب بوده است، که آنرا به شاهزاده محمد داراشکوه^{۴۶} تقدير کرده است. اين كتاب را میتوان جزء اولين داييره المعارف علم پزشكى دانست. از تاريخ فوت اين حكيم اطلاعی در دست نیست. تنها تاريخ پایان نوشته شدن اين كتاب را سال ۱۰۵۶ میدانيم (۵،۱۲).

معصوم ابن كريم الدین طبيب شوشتري شيرازی^{۴۷}، از پزشكان نامي قرن يازدهم و از معاصرین شاه صفی و شاه عباس دوم^{۴۸} است. از وي تنها كتابی باقی مانده بنام «قربادين معصومی» که جزء كتابهای داروشناسی است. از تاريخ فوت وي اطلاعی در دست نیست. و تنها سال ۱۰۵۹ سال تأليف كتاب ذکر شده است (۵).

احمد بن حسن بن حمود^{۴۹} معروف به اختيار شيرازی، از پزشكان قرن يازدهم هجری است. از وي كتابی با عنوان «حدود الامراض» باقی مانده است (۵).

محمد اکبر^{۵۰} معروف به شاه محمد ارزانی قادری شيرازی،^{۵۱} طبيب و از معتمدین عهد عالمگیر بابری و اکبرشاه گورکانی بوده است. وي را میتوان آغازگر انتقال علوم و فنون طبی از زبان عربی به زبان فارسی دانست که این امر در دوران اکبرشاه سرعت بسیار زیادی گرفته بود. از وي تأليفات بسیاری در طب باقی مانده است، که عبارت است از: ۱- كتاب طب اکبری، که شرح و ترجمه كتاب شرح الاسباب و العلامات نجيب الدین ابوحامد محمد بن علی بن عمر سمرقندی است. در ترجمه اين كتاب از فوائد شروح آقسرايی، سید کازرونی، کفایه منصوری، موجز ابن نفیس، ذخیره خوارزمشاهی، قانون

45 - Nur al-Din Mohammad Abdullah Hakim Eynolmolk Shirazi.

46 - Mohammad Dara Shikoh.

47 - Maasom Ibn Karim al-Din Tabib Shooshtari Shirazi.

48 - Shah Abbas II.

49 - Ahmed Ibn Hassan Ibn Hamoud.

50 - Mohammad Akbar.

51 - Shah Muhammad Arzani Qadri Shirazi.

وی علاوه بر طب بر شعر و موسیقی نیز سلط داشته است. از وی تألیفات بسیاری باقی مانده است که چند مورد آن را نام می‌بریم: ۱- آثار الباقیه در طب و داروشناسی ۲- رساله در موسیقی درمانی ۳- شرح بر تحریر اقلیدس ۴- شرح بر مجسٹری ۵- شرح بر موجز قانون ۶- کتاب در احوال اعضاء النفس ۷- جمع الجوامع در طب ۸- التحفه العلویه و الایضاح العلیه ۹- حاشیه بر شرح هدایه الحكمه میبدی ۱۰- حاشیه بر شرح الاسباب و العلامات نفیسی ۱۱- خلاصه التجارب ۱۲- عشره کامله ۱۳- یادداشت‌های متفرقه. حکیم محمد هاشم شیرازی در بیست و پنجم رجب سال ۱۱۶۲ دارفانی را وداع گفت و در دهلی به خاک سپرده شد (۱۵).

حکیم سید محمدحسین طبیب شیرازی^۸، از خاندان بزرگ شیرازی ولی همراه پدرش اقامتی طولانی در خراسان داشت، و پژوهش آستانه رضوی مشهد بوده که به این علت به عقیلی خراسانی نیز مشهور است. وی از اطبای معاصر میرزا نصیر، طبیب مخصوص کریمخان زند است، وی همچنین خواهر زاده میرزا محمد هاشم شیرازی نیز می‌باشد. وی طبیب و داروشناسی فاضل و محققی دانشمند بوده است، صاحب تألیفات بسیاری در علم طب و داروسازی می‌باشد، وی مانند ابن سینا، پنج جلد کتاب در فنون پزشکی نوشت که آنرا «جمع الجوامع» نامید. که مجموعه این پنج کتاب عبارتند از: ۱- کتاب خلاصه الحكمه در علم طب ۲- کتاب مخزن الادويه، دربیان ادویه مفرد و مركبه ۳- کتاب ذخائر التراکیب، معروف به قرابادین کبیر^۹- کتاب امراض مختصه ۵- کتاب امراض غیرمختصه.

از تاریخ وفاتش در منابع ذکری به میان نیامده است (۱۶).

میرزا محمد نصیرالدین حکیم^{۱۰} از حکما، ادباء، ریاضیدانان و اطباء معروف قرن دوازدهم هجری و پژوهش مخصوص کریمخان زند بوده است. وی به خاطر تبحرش در علم ریاضی، در تعیین قبله مسجد و کیل دست داشته است. از تألیفاتش در علم طب می‌توان به کتبی چون: ۱- اساس الصحة در طب به زبان عربی ۲- رساله در حل مشکلات قانون بوعالی سینا ۳- رساله در موسیقی و نسبتی که با علم طب دارد ۴- شفاء الاصقام

مدت کوتاهی به قندهار گریخت و در آنجا نیز به دست یکی از عموزاده‌هایش کشته شد (۲).

دوران نادر نیز با کشمکش‌های متعددی در شیراز رویرو بود، ابتدا به مدت ۵ سال به خاطر پیروزیهای نادر در هند، مالیاتها بخشیده می‌شود. اما پس از بازگشت نادر و فتوحاتش در هند، وی دچار جنون شد و حرص جمع کردن مالیات در نادر بوجود آمد. فشار اموران و متصدیان مالیاتی سبب مهاجرت بسیاری از مردم به هند و عثمانی گشت. در این میان هند، برای دانشمندان، شعراء و بلاخص طبیان مأمونی مناسب بود.

تا قتل نادر و روی کارآمدن کریمخان زند در شیراز، اوضاع بسیار ناآرام و آشوب زده بود. اما دوران ۱۳ ساله کریمخان نیز بسیار کوتاه بود، زیرا جانشینانش برای کسب قدرت به جان هم افتادند و این فرصتی مناسب برای قدرتگیری آغا محمدخان قاجار^{۱۱} بود. در اینجا به ذکر تعدادی از اطباء و پزشکان دو دوره افشاریه و زندیه می‌پردازیم:

حکیم محمد محمد هاشم شیرازی^{۱۲}، فرزند محمد هادی شیرازی^{۱۳} در سال ۱۰۸۰ در شیراز بدنبیآمد. در شیراز به کسب دانش‌های زمانه و علم طب پرداخت و طبیی بر جسته شد. در ۳۰ سالگی همراه پدرش به هند رفت. مدارج عالی را به سرعت طی نمود و به خاطر درمان محمد شاه گورکانی^{۱۴}، طبیب مخصوص وی گشت. در هنگام حمله نادر به دهلی و شکست گورکانیان، حکیم محمد هاشم به خاطر داشتن علم فراوان ملازم شاه ایران گشت. وی همچنین علت بیماری روانی نادرشاه را با فراتست فهمید و به درمان آن پرداخت، وی با برنامه غذایی مناسب موفق به درمان نادر شاه گردید. نادرشاه نیز پیوسته حرمت وی را حفظ می‌کرد. اما با رفتن وی به زیارت مکه و از آنجا به هند و با بازنگشتن وی، بار دیگر بیماری نادر رو به و خامت نهاد. الگود وی را همپاییه با بسیاری سینا و محمد زکریای رازی می‌داند و در آسیا و اروپای آن عهد کم نظری بوده است.

54 - Agha Muhammad Khan Qajar.

55 - Hakim Mohammad Hashem Shirazi.

56 - Mohammad Hadi Shirazi.

57 - Muhammad Shah Gurkani.

قاجار^{۶۶} می‌باشد. وی به علت تبحرش در طب قدیم از مخالفان جدی طب جدید و شیمیایی می‌باشد و رساله‌های متعددی برعلیه این شیوه درمانی نوشت. از وی تأثیرات بسیاری باقی مانده است که به ذکر آن می‌پردازیم: ۱- کلیات طب به شعر ۲- رساله حافظ الصحه^{۶۷} - تسهیل العلاج^{۶۸} - رساله وبائیه کبیره ۳- رساله وبائیه صغیره خلاصه ای از رساله وبائیه کبیره ۴- کتاب مفرق الهیضه و الوبا^{۶۹} - رساله بحرانیه^{۷۰} - رساله طاعونیه^{۷۱} - رساله کافوریه^{۷۲} - رساله کوثریه به زبان عربی^{۷۳} - رساله جوهریه، در رد داروهای قدیم و عدم جواز استعمال آنها به عربی^{۷۴} - رساله افیون^{۷۵} - مسکن الفواد. ملک الاطباء اوخر عمرش را به عراق رفت و در مجاورت عتبات عالیات در سال ۱۲۹۰ درگذشت^(۱۸).

میرزا حسام الدین مسیح الملک^{۷۶}، از معاصرین و معتمدین ناصرالدین شاه قاجار می‌باشد. وی ابتدا طب قدیم را در شیراز در نزد پدرش حاج میرزا محمد حکیم باشی^{۷۷} آموخت، آنگاه برای ادامه تحصیل به تهران رفت و شروع به مطالعه زبان فرانسه و کتب طب جدید و تشریح کرد. او را می‌توان از اولین کسانی در ایران دانست که به طباروپایی آشنازی داشته است^(۱۹). میرزا لطفعلی نصیری شیرازی^{۷۸}، در سال ۱۲۶۸ در شیراز بدنیا آمد، در پنج سالگی به همراه پدرش به تهران رفت، وی پس از تحصیلات مقدماتی و تکمیل علوم ادبی و عربی، ریاضیات، علوم شرعی، منطق، فلسفه و حکمت طبیعی و الهی پرداخت، وی علاوه بر تسلط بر علوم اسلامی، در طب نیز صاحب عقیده بود. مرحوم رکن زاده آدمیت تعداد تأثیرات میرزا نصیر را در حدود ۱۲۲ جلد کتاب می‌داند. از جمله رساله شرح قانونچه در طب می‌باشد^(۲۰).

میرزا محمد سرور طبیب شیرازی^{۷۹}، از معاصرین مورخ شهر فرستالله شیرازی^{۸۰} است، وی در همین شهر به آموختن علوم متداول پرداخت و جزء آخرین معلمین کتاب

در طب اشاره کرد. این پزشک بزرگ در سال ۱۱۹۱ در شیراز درگذشت و جسدش را در نجف الاشرف به خاک سپرندند^(۲۱). در اینجا باید اعتراف نمود که دیگر مكتب پزشکی شیراز دچار افول گردید و دیگر مكتوبات و علم طبیان پس از این قدرت و صلابت گذشتگان را نداشت.

دوره قاجار:

با سلطنت قاجارها که آخرین ساقعه حکومت ایلی در ایران بود، بار دیگر تا اندازه‌ای حکومتی متمرکز در ایران بوجود آمد. اما این حکومت نیز دچار دسایس استعماری روس و انگلیس گشت. این دوره نیز از لحظه رشد مكتب پزشکی قدمی به عقب بود و چیزی به انحلال کلی این مكتب علمی باقی نمانده بود. به تعبیر سیریل الگود، سلسله‌ای که تا سال ۱۹۲۵ میلادی بر سراسر ایران حکومت کرد و شاهد انتقال طب جالینوس و ابن سينا به طب هاروی^{۷۱} و پاستور^{۷۲} بود. پس از قدرت‌گیری رضاشاه و سقوط سلسله قاجار مكتب پزشکی شیراز به آخر راه خود رسیده بود. در سال ۱۳۱۱ شمسی براساس دستوری طب سنتی تعطیل و پزشکان ملزم به آموختن طب شیمیایی جدید و داشتن پروانه از دولت شدند^(۲۲). اما با این حال به ذکر تعدادی از این اطباء و پزشکان در این دوره می‌پردازیم:

میرزا حسنعلی طبیب^{۷۳}، از فقهاء و اطباء اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم بوده است، از وی دو رساله باقی مانده است: ۱- حاشیه بر شرح قرشی بر قانون بوعلی سینا^{۷۴} - ۲- حاشیه بر شرح علامه قطب الدین شیرازی بر کلیات کتاب قانون بوعلی. این حکیم گرانقدر در سال ۱۲۲۵ در شیراز دارفانی را وداع گفت^(۲۳).

حاج میرزا محمد تقی طبیب^{۷۵} ملقب به ملک‌الاطباء شیرازی، در شیراز بدنیا آمد و در همین شهر به تحصیل علم و طب قدیم پرداخت. وی بیشتر عمرش را در تهران و معاصر با فتحعلی‌شاه، محمدشاه^{۷۶} و اوایل حکومت ناصرالدین شاه

66 - Nasser al-Din Shah Qajar.

67 - Mirza Hsamaldyn Msyhalmk.

68 - Haj Mirza Muhammad Hakim Bashi.

69 - Mirza Lotfali Nasiri Shirazi.

70 - Mirza Muhammad Sorur Tabib Shirazi.

71 - Forsataldulh Shirazi.

60 - Harvey.

61 - Pasteur.

62 - Mirza Hassan Ali Tabib.

63 - Haj Mirza Mohammad Taqi Tabib.

64 - Fat'h Ali Shah.

65 - Mohammad Shah.

بزرگی با صد حجره احداث نمود، و املاک متعددی وقف آن نمود (۱).

مدرسه هاشمیه، در محله بالا کفت، در جوار مدرسه حسینیه حاجی قوام قرار دارد، حاجی محمود تاجر شیرازی^{۷۸} در سال ۱۰۳۹ آنرا ساخت و به مناسبت نام پدربرگش، حاجی هاشم^{۷۹} جد سلسله هاشمیه، آنرا مدرسه هاشمیه نامید (۱).

مدرسه سید علاءالدین حسین، در محله بالا کفت در جنب مغربی عمارت و بقعه حضرت سید علاءالدین حسین(ع) قرار دارد و نام اصلی آن مدرسه نظامیه است. این مدرسه در سال ۱۰۷۵ میرزا نظام الملک ثانی^{۸۰} پسر میرزا حسین بیک جابری انصاری^{۸۱} وزیر فارس، ساخته شد و به مرور زمان چار صدمه از چندین زلزله شیراز گردید و نزدیک به سی سال محل خاکروبه ریزی محله گردید و در سال ۱۲۹۴ به همت محمد خان مروドشتی^{۸۲} بار دیگر از نو مرمت گردید (۱).

مدرسه امامیه، در سال ۱۰۹۴ امام وردی بیک^{۸۳} در محله درب کازرون شیراز (محله سنگ سیاه) مدرسه‌ای احداث و املاک متعددی وقف آن نمود (۷).

مدرسه حکیمیه، از بنای‌های صفویه است که توسط امیر نظام الدین دست‌غیب^{۸۴} ساخته شده است، و گویا بعد از حادثه زلزله در سال ۱۲۷۲ فردی بنام مهرعلی شجاع الملک نوری^{۸۵} آن را تعمیر کرده است (۱).

مدرسه مقیمیه، بانی آن حاجی محمد مقیم^{۸۶} از سلسله آتشی‌های شیراز بوده که در اوخر زمان صفویه این مدرسه را در محله لب آب ساخته است، بنای این مدرسه هم چنان پایدار است (۱).

مدرسه آقا باباخان (مدرسه سردار)، در محله درب شاهزاده در جنب بازار وکیل و مسجد جامع وکیلی قرار دارد شروع کار ساختمان در زمان کریم خان زند بوده اما اتمامش توسط محمد

قانون بوعلى در شیراز است. از تأیفات وی حواشی بر بعضی از کتب طبی می‌باشد (۶).

مدارس و کتابخانه‌ها و بیمارستان‌ها و مراکز درمانی دارالعلم شیراز

مدارس و حوزه‌های علمی:

هر تمدنی درجهت شکوفایی علم و فرهنگ نیازمند داشتن کتابخانه‌های مجهر و مدارس علمی است. این دو خاصیت در حوزه دارالعلم شیراز نمود وافى یافته بود در اینجا به ترتیب به ذکر اجمالی این دو حوزه یعنی مدارس و کتابخانه‌های شیراز در طول تاریخ می‌پردازیم:

مدرسه منصوریه: این مدرسه در بازارچه‌ای به همین نام واقع در جنوب شاهچراغ (ع) و در کوچه‌ای منشعب از طرح بین‌الحرمین قرار دارد. محله‌ای که مدرسه در آن واقع شده است به محله لب آب مشهور است و یکی از محله‌های قدیمی شیراز است. مدرسه منصوریه در سال ۸۸۳ (هـ. ق). توسط امیر صدرالدین دشتکی شیرازی^{۷۷} ساخته شده و چون نام فرزندش امیر غیاث الدین منصور^{۷۸} بوده است، لذا مدرسه را بنام او منصوریه نامیده است. وی در رمضان سال ۹۰۳ هجری بدست تركمانان بایندری در سن ۵۸ سالگی شهید شد و او را در این مدرسه دفن کردند. در حال حاضر طلاب علوم دینی در این مدرسه مشغول تحصیل هستند (۱).

مدرسه محبیه(میرزا علی اکبر)، در سال ۱۰۰۱ توسط میرزا محب‌الله حسنه حسینی دست‌غیب^{۷۹}، در جنب قبله مزار سید میر محمد^{۸۰}، مدرسه‌ای ساخته شد که بعدها به خاطر توسط شخصی بنام میرزا علی اکبر^{۷۶} تعمیر و مرمت گردید و پس از آن بنام وی نامگذاری گردید (۷).

مدرسه خان، در سال ۱۰۲۲ امامقلیخان جهت تدریس و رفاه حال فیلسوف و حکیم بزرگ ملاصدرای شیرازی^{۷۷} مدرسه

78 - Haji Mahmoud Tager Shirazi.

79 - Haji Hashim.

80 - Mirza Nzamalmlk Sani.

81 - Mirza Hossein Beik Jaber Ansari.

82 - Mahmoud Khan Marvdashti.

83 - Imam Verdi Beyyk.

84 - Amirmzam Din dastgheib.

85 - Mehr Ali Shjaalmlk Nouri.

86 - Haji Mohammad Moghim.

72 - Amir Sadr al-Din Dashtaki Shirazi.

73 - Amir Ghiyathoddin Mansour.

74 - Mirza Mohibullah Hosni Husseini dastgheib.

75 - Seyyed Mir Mohammad.

76 - Mirza Ali Akbar.

77 - Mollasadrayeh Shirazi.

۷۵۰ جلد کتاب بسیار نفیس بود، که از ترس آغا محمدخان، شاه سفاک قاجار مجبور شد، تمام کتابها را به وی تسلیم سازد، تا جان خود و خانواده‌اش را از تیغ آغا محمدخان نجات دهد.

در آخر نیز معلوم نشد، که چه بر سر کتابها آمد.

۵- کتابخانه مدرسه سردار:

این کتابخانه توسط آقاباباخان^{۹۲} معروف به سردار در سال ۱۲۴۹ هجری جهت استفاده طلاب و مدرسان حوزه علمیه وقف گردید.

از جمله کتابخانه‌های قدیمی شیراز می‌توان به مجموعه‌های خصوصی اشاره کرد که عبارتند از: کتابخانه وصال، کتابخانه حاج اکبر نواب، کتابخانه گلشن، کتابخانه ذوالریاستین، کتابخانه ایلخانی، کتابخانه خاندان امام جمعه، کتابخانه شعاع، کتابخانه شیخ ثقة‌الاعلام، کتابخانه حاج میرزا حسن فساوی، کتابخانه شیخ محمود مسجد گنجی، کتابخانه حدائق، کتابخانه واحد، کتابخانه کاظمی (۲۰، ۲).

بیمارستان‌ها و مراکز درمانی:

در این برهه تاریخی که از صفویه تا پایان قاجاریه ادامه داشت، در دوره صفوی به استثنای بیمارستان مجهر آستان رضوی در مشهد که البته از پژوهشکار نامور مکتب پژوهشکی شیراز استفاده وافری می‌برده است، دیگر مانند دوران‌های با شکوه گذشته که ما شاهد بیمارستانهایی مجهر در شیراز مانند: بیمارستان عضدی، بیمارستان مظفری و بیمارستان مدرسه منصوریه، قابل مشاهده نیست، تنها از این دسته بیمارستانها و مراکز درمانی کوچک و بدون تجهیز وابسته به مساجد موجود بوده است که قابل توجه نمی‌باشد (۱۴).

در روزگار افشاریه و زندیه به سبب آشفتگی‌های فراوان خبر چندانی از بیمارستان‌ها نداریم. گویا بیمارستان‌ها قدیم با وضعیت نامناسب به فعالیت خود ادامه می‌دادند. از اوایل حکومت قاجار تا زمان ناصرالدین شاه بیمارستان مهمی در ایران وجود ندارد. اما مانند بسیاری از دوره‌های گذشته بیمارستان‌های سیار در سپاه قاجار وجود داشته است (۲۱).

91 - Lotf Ali Khan Zand.
92 - Qababakhan.

حسین خان صدراعظم اصفهانی^{۸۷} و آقا باباخان بارفروشی مازندرانی^{۸۸} بوده است (۱).

مدرسه قوام، فرست الدوله شیرازی در کتاب آثار العجم می‌نویسد: «مدرسه قوام در محله بالاکفت، از تمام مدرسه‌ها آبادتر و منظم‌تر است، این مدرسه مربوط به دوره قاجار است. از دیگر مدارس شیراز که در تاریخ ذکری به میان آمده است، مدارس زیر است:

۱- مدرسه زیتیه (زینیه) ۲- مدرسه سادات طویل ۳- مدرسه سامیه ۴- مدرسه شریفیه ۵- مدرسه صالحیه (حوزه علمیه خواهان) ۶- مدرسه صاعدیه ۷- مدرسه محسنیه ۹- مدرسه معربی ۱۱- مدرسه مؤمنیه ۱۲- مدرسه نصریه ۱۳- مدرسه هاشمیه (۲، ۱۹).

کتابخانه‌ها:

۱- کتابخانه خاندان دشتکی:

این کتابخانه متعلق به خاندان دشتی است، آنها دانشمندانی بودند، که از خود کتابخانه‌ای معتبر باقی گذاشتند، که نسل اندر نسل در خانواده آنها باقی مانده بود. در اثر بعضی از سوانح بعضی از این کتابخانه از بین رفت، و تعداد از آنها به مدرسه منصوریه منتقل گردید.

۲- کتابخانه مدرسه منصوریه:

این مدرسه و کتابخانه توسط صدرالدین دشتکی در سال ۸۸۳ هجری بنا گردید، و املاک متعددی برایش وقف گردید.

۴- کتابخانه مدرسه خان:

این کتابخانه و مدرسه توسط امامقلی خان حکمران فارس در زمان شاه عباس صفوی در سال ۱۰۲۴ هجری بنا گردید، و املاک بسیاری وقف آن گردید. از نکات برجسته این کتابخانه وجود بعضی از تألیفات ملاصدرا به خط خود استاد است.

۵- کتابخانه وفا:

این کتابخانه توسط محمدحسین^{۸۹} مخلص به وفا از وزیران جعفرخان^{۹۰} و لطفعلیخان زند^{۹۱} جمع‌آوری شد، و تعداد

87 - Mohammad Hossein Khan Sadre Azam Esfahani.

88 - Agha Baba Khan Barforoush Mazandarani.

89 - Mohammed Hussain.

90 - Jafar Khan.

یکی از مظاهر استعمار تأسیس و گسترش بیمارستان‌های اروپاییان در ایران است. اولین بیمارستان اروپاییان توسط پرتغالیان در جزیره هرمز بنا شد. شرکت هند شرقی نیز در بندرعباس بیمارستانی ساخت که نزدیک به دو قرن فعالیت می‌کرد. همچنین انگلیسی‌ها در بوشهر بیمارستانی ساختند. با آمدن ژنرال گاردان^{۴۳} فرانسوی یک پزشک و دو کشیش وارد ایران شد و درمانگاهی تأسیس گردید و زمینه‌ای برای اشاعه طب جدی در ایران فراهم شد (۲۱).

نتیجه:

این دوره از مکتب پزشکی شیراز که از آغاز صفوی تا پایان قاجار ادامه داشت را می‌توان مورد می‌توان به طور کلی به دو دوره کاملاً متفاوت خلاصه نمود، دوران شکوه پزشکی که با تجربیات گذشته مکتب شیراز به تمدن صفوی رسیده و آمیخته شده بود و دوران پیری و انحلال که با دو سلسه افشاریه و زندیه و تا پایان دوره قاجار ادامه داشت، مکتب پزشکی شیراز به پایان خود رسید.

مکتب پزشکی شیراز، یکی از مکاتب علمی ایران است، که کمتر به آن توجه شده است، این مکتب چیزی در حدود ۱۰۰۰ سال در درمان و آموزش علم طب پیشقدم بوده است. تبحر علمی اطباء و پزشکان شیراز، تنها به این شهر منحصر نبوده علاوه بر ایران، حتی بر سرزمین هندوستان نیز تأثیر نهاده است. تا آنجا که هرکس علم طب را در شیراز فراگرفته بود، ارزش و اعتباری دو چندان داشت.

در ارتقاء علم طب در شیراز تشویق مادی و معنوی پادشاهان و حکام شیراز و فارس بسیار مؤثر بوده است، وقف و تعیین موقعه برای آموزش طب، ساخت مدارس علمی، تأسیس کتابخانه‌ها، احداث بیمارستانها و درمان بیماران از نکاتی بود که در رونق این مکتب علمی در شیراز مؤثر بوده است. ویژگی فرهنگی و علم دوستی مردم شیراز نیز از عوامل تأثیرگذار بوده است. به امید آنکه روزی شاهد بیداری و تولد دوباره دارالعلم شیراز و رونق دوباره مکتب طبی شیراز باشیم.

References:

1. Hosseini Fasay, Mirza Hasan. Farsnamh Naseri, Volume 1&2, Correction: Mansour Rastegar Fsayy, Tehran: Amir Kabir, 2004, 23-1223. [in Persian]
2. Golshani, Seyyed Ali Reza, Golshan Shiraz (full on transformation of political, social, cultural and scientific Shiraz beginning of the Revolution), Shiraz: Farhangeh Persia, Second Edition, 2011, 77-140. [in Persian]
3. Sami, Ali. Shiraz Shhreh javydan, Shiraz: Naved, Third Edition, 1988, 691.
4. Forsat Shirazi (Frstaldwlh), Mohammad Nasir, Asar Ajam, Mumbai, 1976, 458-9.
5. Mir, Mohammad Taqi. Pars famous physicians. Shiraz: Shiraz University Press.1984, 31-220. [in Persian]
6. Mir, Mohammad Taqi. Pars famous nobles. Volume 2. Shiraz: Shiraz University Press. 1989, 624-1104. [in Persian]
7. Khubnazar, Hassan., History of Shiraz (from the beginning to the beginning of the reign of Karim Khan Zand), the effort: Dr Ja'far Moayed moaeed Shirazi, Tehran: sokhan, 2002, 733-941. [in Persian]
8. Golshani, Seyyed Ali Reza. Amir Seyyed Fathollah Shirazi, a physician, historian and politician in Indian Mughal Empire (Gūrkān) court. Res Hist Med 2012 Aug; 1(3): 82-85. [in Persian]
9. Jandpouri, Seyyed Kausar Ali. Medical history of Mongolian dynasty in India. Translated by Shahidi SJ. Tehran: Tehran University of Medical Sciences, 2011, 243-248. [in Persian]
10. Iskandar Beg Torkaman, Alamara-i Abbasi, Volume 1, Edited by: Iraj Afshar, Tehran: Amir Kabir , Third Edition, 2004, 168. [in Persian]
11. Bdavny, Abd al-Qadir Ibn Muluk Shah, Muntakhab-ut-Tawarikh, Volume 3, editor: tofigh Sobhani and Mawlawi Ahmad, Tehran: Anjoman Asar va Mafkher Farhangi, 2001, 114. [in Persian]
12. Safa, Zabihollah. history of literature In Iran, Volom 5, Tehran: Ferdows, Eighth Edition, 2000, 359-1364. [in Persian]
13. Kiani, Hossein and others. Introduction of an Outstanding Scientist of Iranian and Islamic Traditional Medicine: Emadodin Mahmoud-Ibn Masoud Shirazi. Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine, Volume 2, Number 3 (Fall 2011), 249-254.
14. Elgood, Cyril lloyd. Medicine in Safavid period. Translated by Javidan M. Tehran: Tehran University Publication, 1978, 31-41.[in Persian]
15. Golshani, Seyyed Ali Reza. Mirza Mohammad Hashem Alavi Khan Shirazi: The Messenger of Shiraz Medical Doctrine in India. Res Hist Med 2012 May; 1(2): 47-50. [in Persian]
16. Tajbakhsh, Hassan., History of Veterinary And Medicine (Volume II) Islamic times, Tehran: Tehran University, 2007, 507-508. [in Persian]
17. Elgood, Cyril lloyd. Medical history of Persia and the eastern caliphate. Translated by Forghani B. Tehran: Amir Kabir. 2007, 489. [in Persian]
18. Mazaheri, Mohammad. Haj Mirza Baba Tabib Shirazi. Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine, Volume 3, Number 2 (summer 2012), 239-241.
19. Behrozi, Ali Naqi, History of libraries, press and printing Pars, Shiraz: Association of Public Libraries in Shiraz, 1972, 40-41. [in Persian]

-
20. Emdad, Hassan. History of Education in the Fars (from ancient times to the contemporary period), Shiraz: Navid, 2007, 172-184. [in Persian]
 21. Ahmadi darany, Ali Akbar, History hospitals, brilliant career Iranians, Journal of Information and Library Science, History and Geography Book of the Month, August and September 2003 - Number 58 and 59, 88.